



قصه من لایسبائ
اداسن های یسین
ابواسحاق ابراهیم

خلف النیسابوری

به روایت امین فقیری

تصویرگر: مریم طباطبایی

www.ketab.ir

دبیر مجموعه: یوسف علیخانی
وزیراستار: سیامک گلشیری
مدیر هنری و طراح گرافیکی: علی بخشی
طراح همکار: نینا فروزان

چاپ اول: ۱۳۹۱
تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: کارا
حق چاپ و نشر محفوظ است.
ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۳۳-۸۸-۴

موضوع: ادبیات کلاسیک ایران
ژانر: داستان‌های پندآموز

ابواسحاق ابراهیم
(داستان‌های پندآموز)

خلف النیسابوری
خلف النیسابوری

به روایت امین فقیری
تصویرگری: مریم طباطبائی



سرشناسه:	فقیری، امین اقتباس کننده
عنوان و نام پدیدآور:	قصص الانبیاء؛ (داستان های پیامبران) / ابوالسحاق خلف النیشابوری؛ به روایت امین فقیری؛ تصویر گر مریم طباطبایی
مشخصات نشر:	تهران: کتاب پارسه، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری:	۱۶۰ ص
فرمت:	یکی بود، یکی نبود
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۲۲-۸۸-۲
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتاب حاضر اقتباسی از کتاب «قصص الانبیاء» اثر ابراهیم بن منصور نیشابوری است
موضوع:	نیشابوری، ابراهیم بن منصور، قرن ۵ ق. - قصص الانبیاء - اقتباس ها
موضوع:	قرآن - قصص
موضوع:	پیامبران - سرگذشتنامه
شناسه افزوده:	طباطبایی، مریم، ۱۳۵۶، تصویرگر
شناسه افزوده:	نیشابوری، ابراهیم بن منصور، قرن ۵ ق. - قصص الانبیاء
رده بندی کنگره:	۱۳۲/۶۶۰۱۳۲ ق ۵ ف ۸۸
رده بندی دیویی:	۲۷/۱۵۶
شماره کتابشناسی ملی:	۲۴۳۷۶۶۲



کتاب پارسه

خ فخر رازی، خ شهدای والادارموی شرقی، تهران، خیابان انقلاب، دفتر مرکزی، شماره ۷۴ طبقه دوم، ۶۶۴۱۹۰۸

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
تلفن: ۶۶۴۱۹۰۸
www.parselbook.com
info@parselbook.com

دفتر فروش:
بخش کتاب سبزان
تلفن: ۶۶۴۷۷۲۰۵



مجموعه یکی بود یکی نبود کتاب‌هایی را در برمی‌گیرد که به بازآفرینی قصه‌های متون کهن فارسی می‌پردازند و برای آشنایی گروه‌های مختلف سنی با آثار کهن داستانی زبان و ادب فارسی است.

ادبیات کهن ما در خبوزه متون داستانی بسیار غنی، ارزشمند و دلپذیر است. بیشتر این متون، که به قلم اساتید برجسته زبان فارسی تصحیح شده‌اند، برای دانشجویان مقاطع مختلف و علاقه‌مندان به این گونه آثار قابل استفاده‌اند، ولی درک دشواری‌های این متون برای سایر علاقه‌مندان غیر تخصصی آنها بسیار مشکل است.

در کشورهای اروپایی «بازآفرینی ادبیات کلاسیک» مدت‌هاست آغاز شده و بسیار مورد استقبال قرار گرفته است. «بازآفرینی»‌هایی که از آثار ویکتور هوگو، شکسپیر، چارلز دیکنز و حتی آثار کهنی از هومرو و ویرژیل به عمل آمده، دست‌کم برای خوانندگان غیر تخصصی شناخته شده‌تر از خود متون اصلی هستند. سابقه «بازآفرینی» در زبان فارسی به دوران قاجاریه باز می‌گردد، اما این «بازآفرینی‌ها» هیچ‌گاه به طور جدی و مستمر تداوم پیدا نکرده‌اند. دریغ است که جوانان، دانش‌آموزان، دانشجویان و سایر علاقه‌مندان ادبیات فارسی از داستان‌های کهنی که در این سرزمین به ما ارث رسیده‌اند، غافل بمانند.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه با توجه به این نیاز ادبی و فرهنگی و تأکید بر حفظ هویت و ویژگی‌های فرهنگی زبان فارسی، درصدد برآمد تا به طور جدی به تهیه مجموعه حاضر

بپردازد و اینک پس از یک سال و اندی مطالعه و تحقیق، کار انتشار مجموعه را آغاز می‌کند و سی اثر از این مجموعه به تدریج در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

خوشبختانه همکاران من در این طرح بسیار پیگیر و دقیق بوده‌اند، افزون بر نویسندگان آثار، که مجموعه حاضر بی‌شک حاصل عمل گرد آنان است، نخست باید از یوسف علی‌خانی یاد کنم که شگن دبیری مجموعه را عهده‌دار بود و هیچ‌گاه از جلسات و نشست‌های مشورتی و دیدارهای کاری این مجموعه ابراز خستگی نکرد. همچنین باید از گروه تصویرسازان و طراحان گرافیک به سرپرستی علی بخشی که با هنرمندی، جلوه خاصی به مجموعه حاضر بخشیدند، قدردانی کنم.

در پایان لازم می‌دانم از همه کسانی که در سامان دادن به این مجموعه سهیم بوده‌اند، سپاسگزاری کنم.

اسماعیل حسن‌زاده
مدیر نگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه
سایبر
۱۳۹۰

قصه اجداد قصه گوی ما

انسان ها غارنشین بودند. کلمه هنوز اختراع نشده بود تا بتوانند حرف بزنند. یکی از آنها ماجرای عجیبی دیده بود. به شکار رفته و گاومیشی به او حمله کرده بود. قبل از آنکه گاومیش را شکار کند، شیری حمله کرده و گاومیش را از پا درآورده بود. شیر هنوز زنده، ماری آمده و شیر را نیش زده بود. هنوز مار نرفته. عقابی می آید و مار را به منقار می گیرد و به آسمان می برد و

انسان اولیه کمی هم خیال پرداز بود. فکر کرد قصه جالبی شده و بهتر است برای بقیه تعریف کند. اما نمی دانست به طور این قصه را تعریف کند.

این انسان خوش ذوق سنگ تیزی پیدا کرد و روی سنگ های دیواره غار قصه اش را نقاشی کرد. دو سه روزی طول کشید تا کارش را تمام کند. مجبور شده بود چند روزی به شکار نرود. داشت از گرسنگی هلاک می شد که بقیه آمدند. همه دهان شان باز ماند. جلو رفتند و قصه را دیدند. به رسم تشکر از قصه گو، کمی گوشت شکار برای او آوردند.

از آن روز دیگر نگذاشتند به شکار برود. به او فهماندند در غار بماند و قصه های دیگری بکشد.

مدتی که گذشت، کسان دیگری هم، که ماجراهای عجیب و غریبی دیدند، همین کار را کردند و کم کم آنهایی که قصه بلد بودند، ارج و قرب بیشتری پیدا کردند.

بعدها انسان کلمه را پیدا کرد. مثلاً وقتی پای نقاشی های سنگی ایستاده بود، کلمه ای

را برای تعریفش به کار برد و این طور شد که کلمه ها زیاد و زیادتر شدند و دیگر انسان به جای اینکه قصه هایش را روی سنگ و خاک بکشد، با کلمه گفت. آن وقت آتش که روشن کردند و دور آن نشستند، یک نفر ماجرای را تعریف کرد. گاهی مردم را می خنداند و گاهی گریه آنها را درمی آورد. قصه گو یاد گرفته بود اگر ماجرای ساده ای را که در روز دیده، بگوید، کسی به حرفش گوش نمی کند، برای همین خیال پردازی می کرد و به قصه هایش آب و تاب می داد.

بعد آدم ها از غارها آمدند به دشت و صحرا و کنار چشمه ها، کشاورزی و باغداری کردند. وقتی شب ها خسته می شدند، فکر می کردند چطور می توانند خستگی شان را در کنند. این بود که فرستادند سراغ کسی که بلد بود قصه بگوید.

پسرها و پدر بزرگ ها قصه هایی از سفرهای شان تعریف کردند، مادرها و مادر بزرگ ها هم قصه های جن و پری و دیو و غول و دختر شاه پریان را تعریف کردند. و کمی که گذشت، مردم یاد گرفتند بنویسند.

چند نفری شروع کردند به جمع آوری قصه های عجیب و غریب. عده ای هم از خودشان قصه های عجیب و غریب نوشتند. این شد که کتاب های زیادی به جهان آمد. حالا کتاب های زیادی در کتابخانه های جهان هستند و بعضی از این کتاب ها نوشته نویسنده ها و شاعران ایرانی است.

زبان مردم سال به سال، تغییر می کرد. نه اینکه ساده تر می شد، تغییر می کرد. بعضی کلمه ها حذف می شدند و کلمه های جدید می آمدند. شاید همان طور که ما زبان مردم قدیم را سخت می دانیم، اگر آنها زنده شوند و ببینند ما حالا این طور حرف می زنیم، خیلی تعجب کنند و بگویند: اینها عجب زبان دشواری دارند!

خلاصه اینکه کتاب های زیادی در ادبیات کهن ایران نوشته شده که شما قصه های آنها را در مجموعه «قصه های کهن فارسی» خواهید خواند....

قصه های مولوی را خوانده اید؟ قصه های شاهنامه فردوسی را چطور؟ قصه های هزار و یک شب؟ کلیله و دمنه و مرزبان نامه و تذکرة الاولیاء و منطق الطیر و جوامع الحکایات و تاریخ بیهقی و دهها کتاب دیگر فارسی پر هستند از قصه هایی که حیف است آنها را نخوانید و لذت نبرید.

خیلی از نویسندگان بزرگ خارجی از خواندن کتاب های قدیمی ما برای نوشتن الهام گرفته اند. مثل خورخه لوئیس بورخس، نویسنده آرژانتینی؛ مارسل پروست، نویسنده فرانسوی؛ ایتالو کالوینو، نویسنده ایتالیایی؛ ادگار آلن پو، نویسنده انگلیسی؛ جیمز جویس، نویسنده ایرلندی؛ گابریل گارسیا مارکز، نویسنده

کلمبیایی و خیلی‌های دیگر که شاید اسم‌شان را هم نشنیده باشید، اما از نویسندگان معروف جهان هستند و کتاب‌های خوبی نوشته‌اند.

با این حال خودمان چقدر این کتاب‌ها را خوانده‌ایم و دیده‌ایم که چه قصه‌های عجیب و غریبی در کتاب‌های پدران و اجداد ما بوده است و آنها چه قصه‌هایی بلد بوده‌اند؟

بسم الله الرحمن الرحیم
تحریر: علی‌اکبر
۱۳۹۰